

جای اداره کتبا

مدیر - غلامحسین کنانی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان میل باشد

فوسن جنگل

براه چهارمزه طبع و توزیع خواهد شد

کتاب نمره هفت ششاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوابح و اعلانات

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نمیشود

و در بزرگ جلد نمره دانیست

قیمت اشراک

یکسال ۵۰ تومان

بایج شنبه غزه صفرا المظفره ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

انالله وانا الیه راجعون

آقای حاج علیقلی خان سردار اسعد کلبجاری که فدکاری و معارف پروری ایشان زینت بخش صفحات تاریخ ایران است بغوت خود عالم حریت و معارف را عباد نمود ما خود را با ایل جلیل کلبجاری و این مصیبت بزرگ شریک دانستیم و بجموم آن فدکاران غیور خصوصا حضرت مصمصام که سبط نسل و تقویت تقدیم داشته .

امید داریم بچنانیکه در تحصیل آزادی امتحانات عظیمه داده اند در حفظ استقلال ایران و دفع تجاوز انگلیس بیگگونه مشکلاتی بر او نکرده و باثر خیالات وطن پرستانه آن سردار حریت پرور در قیام نموده و نام نیک خود را الی الابد پاینده و محفوظ دارند .

ملکرافت بیت مقدس اتحاد اسلام
حضرت مستطاب اشرف آقای مصمصام سلطنت و است
شوکت العالی فاجعه فوت مرحوم غلامحسین سردار
اسعد طاب ثراه قلوب همه مردم ایران را متاثر گردانیده
کرده خدمت و فدای کار بهای قابل تقدیری که از عقیده
معظم در این چند سال اخیر با تفاق خاندان نبیل و
ایل جلیل او در راه وطن عزیز ما (ایران) بمقتضی بر فرد
ظهور رسیده بر حریده عالم ثبت و زندگی جاویدانی او

و سعادت و عظمت این دوده بزرگ را در دلهای
عموم ایرانیان نقش بسته و بسبب جامع حال و
استقبال این آب و خاک سر مشق خوبی داده است
آرشی رنگینی دو حضرت جاوید و بس در کمر پر
باشد نماز کس سخن گفتن نبرد کردار نیک
ایک در این موقع این فدایان بدین وسیله
مراتب تأسف و تلهف و شرکت خود را در این
مصیبت عظمی و حادثه کبری بحضرت اشرف و

دوده آن فقید ما را ندیم و امیدوار که سران و
 بزرگان و همه ایل طویل تنبیری باقیه است و
 و غریب حضرت اشرف حفظ و تکمیل بیان رو
 سوده نموده گوی سعادت و شوکت و استقلال
 ایران را به دست و چوگان حسن عملیات مبار
 فرزندان وطن در ظل عنایات اعلی حضرت شهرت
 ماجدار سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطه
 برمانند - بنت اتحاد اسلام -
 متعاقب وصول اسن خسرو حشمت ابریت
 مقدس اتحاد و سلام و غموم قدسیان
 جنگل با کدنا تائف با تائی غربت ایخان
 نماینده بریت مقدس دستور انعقاد مجلس
 ترجمیم در رشت داده
 نماینده محترم نیز مطابق او بریت
 مقدس مجلس ترجمیم تا شکوهی منعقد
 عموم طبقات مختلفه با حال سوگور می بریت
 نموده روز سوم مجلس به دعائی و آ
 اقدس ملوکانه و دعائی شوکت و دولت
 و ملت ایران ختم گردید .
 مدخلات حشمتکاره انگلیس در ایران
 تجاوز انگلیس مسئله طویل خوب و مظالم آنها اخیرا گرد
 از قضایای خیلی مهمت ملکت بلا دیده باشد و در کم
 مفاسد و خرابیهای بی اندازه که فعلا سر تا سر ابراز
 فرا گرفته عموم حرا بد ملی و افراد حاسس ایرانی این
 مسئله را خصوصاً پیش از سایر مسائل بگزار در نگاه
 دولت و قاضین ملت مطرح نموده و بهر روز
 همگی را به دعامت عواقب این کار و استعلاج

فوری این مرض مملکت متذکر میمانند
 ملی مسئله طویل خوب با سایر تجا و ارات سابقه و
 لاحق بریطانی از نقطه نظر استقلال و تمامیت
 ایران و حیات اجتماعی و ملی ایرانیان فوق العاده
 دارای اهمیت و لطیفه یک عضو بزرگی از اعضا
 مملکت ما غیر قابل تحمل و نمیتوان آنرا سرسری نهاد
 و یا مانند سایر و ارات الیه بلا قیدی گذرانند
 در این موضوع هر چه نویسم و بگوئیم باز کمتر
 و گفته ایم باید هر روز فریاد کشید و بهر ساعت می
 تمدن را از ناله پر نمود و از دود آه مطلوبانه و به
 وقت فضای عالم را تاریک و کدر ساخت باید بی
 پرده بی تامل بدون ملاحظه بدون هیچ گونه خوف
 و هراس از شیایع و فحایح اعمال انگلیس عذار
 و یک چنین اقدام بر حمانه و بشیرانه که در مملکت
 بی چاره مملکت به طرف مملکت بی آزار عمل آید
 و می آورد و تمام دنیا گوشزد نمایند استمداد کنیم
 استرعام کنیم استغاثه کنیم دولت مضاره خاصه
 دولت تانازونی که حمایت انگلیس ظالم را با هم
 حمایت از ظل مطلوبه عذر محاربه خود قرار داده
 بناله ای خود نمایم و مکر در مافوقه شکیبایی نیست
 پیش از این حالت صبر و بردباری بی بی غیرتی و
 بی حتی تعبیر میشود و دیگر نمیتوانیم فریاد های خود را
 در سینه حبس نمایم باید بی ملاحظه تراکت مصروفی
 نبره برینیم چرا انگلیس بجایه ما دعالت می کند
 انگلیس استقلال با تفرق میرساند انگلیس و با
 ما را با زیر سچ قرار میدهد انگلیس ابناء وطن را را
 معقول و مصلوب میکند انگلیس مملکت ما را ارات
 میباید این جاد بگر جای تراکت نیست و بلکه

چرده ناموس بارادیدند و حرمت ناراکه دادند
آبروسی بارانینشد فرزندان وطن بارایر حایض
کردند دیگر چه تراستی !!!

ما این کلمه بمعنی دکلمات پوچ دیگر از قبیل
تدن انسانیت که بایاد داده ویا برای پانجه
بودند بخود تمدن پس میدیم بی پرده و بدون
مراعات این کلمه دروغ بمعنی پرداخته مسکونم
بریطانی ظالم است ، بریطانی حق کش است ،
بریطانی دشمن عدالت است ، بریطانی خصم مل
مطلوبه است ، بریطانی یک قرن است مثل حایض
مبارکمان باافاده بی من و جمال ولی انکه در
محبوبتی در قلب حریف خود احوال نماید هر لحظه
برسایس مکارانه یک قسم مشوه و حسن در صورت
عبوس و مغرور خود ایجاد نموده با یک عبدهایی
و تروستی که مخصوص و سیلو ماتهایی لندن است
حریف ساده خود از فریفته گاهی هم باز در اعمال
قره گاهی بوسائل محیله از طعنازی و محالگی خود
استفاده نماید .

آخر برای چه انگلیس از ما چه خواهد گاهی باروسه
متبند متحد از زمانی منفرد ما را تهدید کرده و آغاز
دشمنی و ستیزه مینماید گاهی باطهار و دستهای پرت
و به طبیعت بی خبران و بفرستادن نماینده و
کارکنان متعدد در طهران و جاهای دیگر بارانین
داشته و در عین همان اظهار دوستیهای بی
اصل ضربه خود را بحیات استقلال باوار میکند
بی رضای ملت ما امتیاز میگیرد بی تصویب
دولت مشروطه ما را بحملکت مانعاده می بندد
برای تقسیم خانه ما منطقه نفوذ تعیین میکنند باطله

خود میر و خود میدوزد هم مدعی است هم مدعا
علیه هم شاه هم هم ماک زهی پرده ای با یک چنین
اقدام شیخانه از طرف دولت بزرگی مثل انگلیس
بیک دولت قدیمیکه حوادث طبیعت و شهوت
زانی ز نام و این جابش او را بحال ضعف و نا
توانی انداخته و در این موقع که در خیال ترمیم
خرابه های باضیه هستند اقدام بی شرفانه منت
آیا بر خلاف اصول انسانیت و مردودگی منت
آیا این عملیات و این تجاوات و این بی شرفی
و این دور و بی شبیه با جمال همان عجایز فرزند
که میرواهند به سیرنگ بدسایس ویا بتراغ و اسب
حریف خود را تسلیم نمایند منت !

بقول جرجی زیدان نویسنده شهیر مصری
پس از وقوعه و خانیات ایران و قاره آقیانوس
خیالات انگلیسها در ایران تا اندازه عظیم مانده .
دولت بریطانی را تا شرفوق العاده مصادف
نموده کابینه لندن همواره مترصد است جبران
گذشته نموده و نفوذ محکمی در ایران تحصیل نماید
با این جهت بوسائلی که بر خلاف هر حقیقت است
تشتت خسته از یکطرف و سهوا را بداخله و تهدید
تشجع از طرف دیگر خود بدرون و بقیه غفلت
شغول عملیات و محکم نفوذ کرده دیده ظاهر خود
را عقب کشیده باطن را در سهوا را بجان ایرانها
می انداخت پس از تشکیل قراقران و نفوذ و کثرت
روس تشکیل آن حاصل کرده انگلیسها خبردار
گردیدند که ملتیک شان در ایران در سنگها
افاده و با اشکال مطلب افزوده شده مجبورند
که از خود دولت روس و نفوذ آن دفاع

گویند باین جنبه با معاهده معدوم ۱۹۰۷ و ناسا شبیه
 متعاقب آن وارد شده تدریج بای تقبیل
 تجا در گذشته هر محلی که از نفوذ و استیلا
 روس قدری راحت شد بلافاصله تسلط و نفوذ
 خود را دوباره بر تریب میکند این مسئله محل بیت
 که انگلیسها به تشکیل مجلس جنوب بحارت ساوه
 بادست ایرانها ایران را میخوانند نیز نمایند
 باین حال وظیفه ایرانها چیست؟ دولت
 مقابل این حق شکنی با آنچه رویه اشتنا کند دولت
 برای جلوگیری از این بلا میسر چه تکلیفی است؟
 آیا باز هم باید گفت و فحاشند که دیانت ملت
 و غیرت و ناموس پرستی مقتضی است که عموم
 ایرانیان دست و پا و اطفال بجم داده و متفقا
 این دست تجا و همایه آزاری را قطع نمایند
 آیا باز هم باید هر روز دولت را متوجه ساخت
 که زیاده بر این نمیتوان در جلو این حوادث پر
 خطر لایقید و لا ابالی ماند .

بقیه دارد

حد کلمه در بیان حق و واقع

انسان گزیده ترین محصول حیات سرلت است
 حیات اقوام با قصبای زمان و بگردش دوران
 تبدیل میشود ترقی و تمدنی افکار و احساسات
 همه وقت دچار تحول و استحاله است با دانه
 که گاهی یک عصر شاه چن دین نحو تحولات شده
 است .
 در ادوار قدیم فروش انسان مانند مال التجاره
 مشهور و در حه اعلا پسندیده بود ولی افکار حاضر
 از این خصله متفرقت افلاطون آن حکیم بزرگ

امارت را مدوح و از لوازم حمیت میدانت
 حالیه در میان اقوام شرازیت آرا و افکار احلافا
 زیادتی است مثلاً اردپانها از دواج واحد را
 قاطند ولی در بعضی ممالک حتی این خصله را که
 خطای صرف است جریان دارد که یک زن
 میتواند در یک خانه دوتنه شوهر شروع داشته
 باشد مثلاً از برای مانفیس ترین روایح اریحی شکونه
 ؛ و عطریات است ولی در مغولستان بوی سیر
 از عطریات درجه اول شمار میرود و در حالتیکه از بو
 سیر کمال متفرقا داریم

خوبی و بدی این دو صفت خاصه که در طبیعت
 موجود شده و یا احکامی هستند که بحکم طبیعت
 داده شده است این سوالات علمای هر عصر را
 ساخته و هر یک بیک ترتیب اظهار عقیده نمائند
 زیبایی در نظر هر کس بیک درجه نیست بعضی
 از عقیده بعضی از سیاه محطوط میشوند اگر مطلقاً
 خوب بود چرا همه او را دوست ندارند بچنین در سیاه
 این ایراد دارد است

ولی اخلاق مطلقه (maralite absolute)
 نباید این طور باشد مطلقاً خوب یا بد بوده است
 ترقیات هر زمان این امر را تا کید میکند تحولات
 کلمات نیز از تبدلات عالم خارج نمانده هر لغت
 و کلمه نه در میان ملل مختلفه بلکه در میان یک
 ملت معانی متعدده دارد مثلاً عیب یک طر
 است مشترک ولی هر یک از اقوام بخوی او را
 تعبیر میکنند
 در جزایر (هائیتی) (فونچی) استرالیا مردان و زنها
 بر رینه گردش میکنند و او را عیب نمیدانند عیب

برای آنها چیزهای دیگر است کلمات مثل اخلاق
 معنویات، روح عشق، وظیفه، ادراک حقوق
 الی آخر مثلاً اخلاق را بچنانیکه یک مرد عوام
 نشانه است خواص و ارباب علوم معانی دیگر
 را از او مستنباط میکنند و لغت حق بشیرزی
 وارد ولی اصل معنی مطابقت با مقصود است
 یعنی چیزی که نفس الامر مطابقت داشته باشد
 است ولی در این باب جای سوال است که آیا کدام
 قوتی تو ضیح و تقدیر خواهد نمود که این خبر نفس الامر
 موافق است یا نه جمعی از علما میگویند که عقل ساقط
 از برای فهم و ادراک حقوق کافی است
 قسم دیگر قائلند که عقل سلیم بدون قوه
 بشر نمیتواند حقایق حقوق را احاطه نماید
 کلمه حق مرکب از دو چیز میباشد یعنی قانون
 که بافعال بشریه باینسی تطبیق شود و دوم اختیار
 انانیت در راه ثواب و خطا اجتماع این دو عنصر
 از یک طرف مسئولیت (یعنی وظیفه را) از طرف
 دیگر مصونیت (یعنی حق را) تولید میکند و البته
 این قضیه مربوط بحریت است
 زیرا کسیکه دارای حریت نشد مسئول نشود
 پس تعریف حق مصونیت و امنیت از برای ادا
 وظیفه است که انسان با او مکلف شده در مفهوم
 حق میان علما اختلاف بسیاری است
 در انگلستان (مجلس) حق را فقط منفعت
 و قوت پنداشته (لوق) منفعت و حریت را
 رکن حق میدانند (کوت) و علمای دیگر در این قضیه
 هستند که حق از وضعیات متقابل افراد جمعیت
 ضروراً حاصل شده است بجهت انظام و منافع

جمعی از علما خواستند عقاید مختلفه را که خالی از حر
 و خطر نبوده تالیف کنند (قانت او شاکر فاک
 او در المان (او کوست) و (پوزی سولت) و
 در فرانسه (بنیام) و (سورات میل) و (گلن
 از برای توحید آراء خیال کار کرده بنیایه حق را
 در سه عنصر قرار داده اند .
 منبع حقوق حیت در مخصوص آراء و اقوال
 بسیار است عده از علما میگویند که منبع حق لامب
 تی است و تقسیم کننده حقوق مخلوق فقط همان
 قوه الهیه است ادیان با قوانین خودش حافظ
 حقوق عموم میباشد .
 بریلیو و مارزین (از وزرای فرانسه) که جدا
 ملک روحانیت و از مشهورترین فراعصر
 خودشان بودند این تقسیم حقوق را بدرجکمال
 مقرر نمودند و در باره پادشاهان معقولات بفرمای
 داشتند باین معنی که پادشاه چون بحکم و اراده
 خداوندی منصوب میشود باین جهت فقط بخدا
 مسئول است نه بملت حقوق و قوانین برای
 حمایت ملت است و مقام سلاطین بالاتر
 از آن حقوق میباشد .
 برخی میگویند نشأ حقوق بشری عقلی است
 و از وضع اجتماعات انسانی ضرورتاً ظهور کرده
 کرده بچنین عدالت ابداع بشری است
 و انسان که اوصاف متضاده را جامع است
 از قبیل غضب رحمت، ظلم عدل، پس وظیفه
 قانون که عدالت با قرب بعدالت است
 در میان قوای متضاده جمعیت تا چه پای محکم خواهد
 بود عدالت محض در عالم متصور نشده است

اجتماعی محتاج ارتباط است که بوسیله آن توطئه
 حیات و دوام خویش را محافظه کرده بجلاوه
 حفظ موجودیتش برای توسعه نفوذ و قدرت
 خویش سعی باشد این هم بخیرین اداره
 مطابقت قوانین و عقل سلیم میسر خواهد شد
 هر قوم بر حسب مزاج و استعداد و کیفیت افراد
 خود در مطابق شرایط زندگی و باید از آن قدری
 مادی و مضمونی موافق میل اکثریت وضع قوانین
 میکند پس حقوق اثر واضح است و مقصود از
 این نه ملاحظه افراد بلکه ملاحظه سعادت و منافع
 عموم است.

آخرین عقیده که بقانون تکامل و تکامل

اجتماعی مربوط است

طرفداران این عقیده در طرقی هستند مثل
 لئون بورژوازیس سابق کابینه فرانسه و بسیاری
 از اشخاص معروف تابع این عقیده میباشند
 میگویند حقوق اثر واضح نبوده است و آن ناشایسته
 است که بخودی خود از طرف جمعیت ابراز شود
 حقوق حاصل از معاملات و مناسبات افراد است
 قوانین و اداره هر قوم شاهد لیاقت و در قیاس
 آنقوم میباشد اما با ایرانیان در بدلول حقوق
 چه عقیده داریم حیات اقوام چه در خصوص و حیات
 چه در تفکرات تا ما محصول تاریخی است

بیک قوم علم و صنایع جدید را آموختن
 سهل است ولی کتاب اخلاق و روح جدید
 اخلاقی تعیین مسلک تبدیل عادات محتاج مبرور
 زمان است این نحو تحولات عمیق فقط در پس
 اعصار محکم خواهد بود ایرانیان قدیم زانیکه دارای

وقت بودند اطلاق و خصایل ایشان نسبت به ام
 ملل عالی تر و حقوقشان نیز نسبتاً موافق عقل و عدل
 بوده تاریخ بهترین شایده است که ایران قدیم
 اخلاق و آئین نیکش داشته که این دو صفت
 بزرگ غالباً شدت ظلم و استبداد و طبع خشن
 جنگ آوری را تخفیف و تعدیل کرده و مصدر
 وقایع عظیمه میشدند باین جهت دوسری همی بود
 و اعتداف در حیات قدیم ایران مادی و کسب
 بوده اگر هم بر روز طغی می شد غالباً با انصاف
 خارج بازار تا جدا از ان غیر ایرانی بوجود می آمد
 ایرانیان قدیم بحسن سلوک مشهور و بیادینک
 نسبت بمالک منقوضه و اجانب شاعر خود قرار
 داده بودند در قدیم رسوم حقوقی ملل خارجی این
 بود که غیر خودشان از اداری حقوق ندانستند و
 خون سایرین یا غالباً بوج میدانشند ولی حقوق
 ایرانیان چه از برای اجنبی و چه از برای ایرانی نگاه
 نداشته اصول (قاست) یعنی تقسیم صنوف مختلفه
 جمعیت که اولین علت خرابی است و قوانین
 منقوضه (توسیدت) یونانی را در انخوده
 (متوقلس) فرمانفرمای قدیم با آنهمه خصومتیکه
 با ایرانیان نموده بود و زمانیکه از وطن خویش
 مجبور بفرار شد امن تر از ایران محلی را ندید که حاج
 قنوت ایرانیان پناهنده و تمصب وزارت
 منقوضه کردید افسوس هزاران افسوس که ایرانیان
 برای معاشرت بی ترتیب با ملل بی اخلاق
 اخلاقشان فاسد و روح پر ایمان و قوامی
 آنها ضعیف گشته و حکم قطعی تاریخ درباره آنها
 تقریباً مجری شده و میشود اسباب انالکت

ملکت و مملکت یک ملت نه تنها اداره سوسپد
 وی و نه جهالت و نه فقر و ضرورت است بلکه
 اصلی ضعف قوامی روحیه و فساد اخلاق است
 که اوصاف فطری و بایه اشخاص قومی و حیاتی
 برای همان مصادف بازوال میگردد
 افکار حقوقی ایرانیان حالیه شکل و شکل گشته
 بدون شبهه اخلاق لویه را وجد نشدند چاره ای
 اینکه این ملت بعد از استیلا می نمود تا امروز
 جز تقلب و تحکم و کمالش های بی اصل چربی
 ندیده و طبیعتشان باین خصایل غیر مستحبه
 نارس شده اگر مردم را با نظر عمیق نگاه کنیم
 معلوم خواهد شد وضعیات این مردم چیست
 است

خود اقدام نیکند اقدام دیگران را تصدیق ندارد
 پس ایشان را بر روز صد و پنجاه هزار سال قسم
 میدهم که بفرمایند تکلیف چیست چه باید کنیم
 کرد

گیلانان مرده بدیندی
 از قراریکه میثوم دولت نه فکر تعیین حاکمی از برای
 گیلان است خدا کند که این خیال وجود خارجی
 پیدا کرده مردم این حد و در این موقع یک
 ازنی تکلیفی آسوده نمایند
 گیلانان بجای باید بندورات و دوچار خسته
 که شاید آن شاء الله تا سال دیگر در پچه روبرو
 رنگ حاکم را دیده باشند

مکتوب

جریده فریده وطن را مشوقه باین نکته مینایم
 که خبر راجع بنایند جنگلی با در قزوین و سایر
 اجباری که آن جریده فریده بر طلاف امال یک
 ملتی درج میکند بی اصل است بهترین است
 هر خبری را بعد از ثبوت صحت آن و تصدیق هم با
 ملاحظه جهات و جهانی درج فرمایند

تقریر

جریده شریفه کاشف است از نسلبه اصحاب
 که بطرز کار نکاتور با اسلوبی سیکو بدیرت
 آقای مؤید الشریعه گیلانی قدم بر صحنه مطبوعات
 گذاشته مطالعه شماره ششم خود را با امال
 ننوده موفقت آن مدیر محترم و کارکنان
 آن گرامی جریده را از حضرت بزرگان تشکر داریم

یک سوال مختصر

وزارت داخله - متعذرات که در ستادون
 حکام باید بمیل و اراده دولتمن روس و انگلیس
 باشد بدین ملاحظه موافق میثوم مطابق امال ملت
 حاکم صحیح العمل تعیین نمایم
 وزارت جنگ - میگوید که برای ممانعت و خلا
 همایکان نمیتوانم موافق به تشکیلات قسونی کرد
 چنانچه دستهای خارجی باعث شده اند که در
 منحل گردید
 وزارت مالیه - اظهار میکند نظریات سواد
 داخله آنها باعث میشود که خزینه دولت همیشه
 تنگی است دستشان از خارجی را هم نمیکند دارند
 رسا داخل علیات شوند چنانچه مستر شوستر
 امریکائی را گذاشته

ولی وزیر عدلیه ز چه قدری خواهد بود!

قانون اساسی آلمان را در عدل مطلق

اصل ۱۳ - تصرف یک قطعه بزرگ از خاکه دولت نام مستحق
اصل ۱۵ - نقاب تمام املاک مردم و گوشه نشینان
بنایهای مظلومین .

اصل ۱۷ - هر کسی برای حقانیت مظلومین اقدامی
نماید با میل علیه عالیه منافی خواهد بود .
اصل ۹ - در پراک حاج میرزا ابراهیم آقا را کشتن
دادن و دو مخم سلام و جمعی از احرار را با آن بر
که اصل هم مخرج است بچک محمد علی میرزا بسلاحت
های وحشی دادن است .

رایورت

آژانس پیاده از طهران خبر میداد که هر کس برای
تفریح باغ فردوس برود یک هزار مفضل خواهد خورد
صرف هزار اگر در بعضی از جزایر باشد بجهت مفضل
خواهد شد اگر معین و با جواز اهل بو شهر باشد مسلماً
نفع کامل میرسد .

باین دلیل

که چند ساعت و چند دقیقه قبل از ظهر همان روز یک
بدر رفت باغ فردوس هزار مفضل خورد و عجب
حاکم است و مقرر حکمرانی خود را کرده بود و در این
منظرم بدر دیگر آن باجر مقصود خود داخل شوند
علاقه - فام مقام الملک شریعت زاده از یک علقه
بآب خاک کبلان وارد بجهت های جزایم مساحت پولی
دختر جوی هید که مباد این رود و بچیلان خاکی وارد
چنانچه در باغ فردوس امتحان دادند .

راه کانی حضرت شرف حاج معاذ الله و خوب است باغ فردوس
تصرف نشود و قرض نمایند میل کنند در این صورت مصلحتی
ایشان منعت خواهد رسید و گوشه نشینان از این گوشه اند
(مورخین) آسوده خواهد ماند .

خرید سرب
تبریک

آژانس پیاده آژانس رو ترنچ در شان ایتالی با تبریک
میگوید .

با سخاوت

دولت ایتالی است که حاصل زحمات دو سه ساله
خودش را بیک خواهرش دوستانه دولت اطریش تقدیم کرد
پهلوان زبردست
دولت جهانی است که قبل از کشتی زمین خورد

توجه

تمام دول دنیا هستند که با فشاری نموده هر چه دارند
تیم دولت بریطانی نمیکند انصافاً اگر تمام انصاف
کرده بودند آیا هیچ جنگی حادث میشد ؟
نوع سربست
دولت فیمه انگلیس است که تمام ساکنین کرده را
برای ترقی نوع انگلیس کشتن میدهد .

مقتصر

دولت ایران است که چرا افتخار اقمیر میدوستانند

باز هم تبریک

خدمت کابینه حاضره از عضویت حضرت اشرف قوام
السلطنه تبریک میگوئیم نشاء الله از این جن اشحاب
رود (وطن) علاج خواهد شد

سؤال و جواب

س - حاج شمس السلطنه چرا پیش کار آذربایجان میروند ؟
ج - برای اینکه دست شکسته و بال کردن است
وطن با یک با هم و دو وجهی دارد .
شجرت آقای علا السلطنه در کارهای دولتی مذموم .
ولی سر مردی بسیار اعظم و فرمانروا و امثال آنها مصلحت
خدا با وطن ما را یک هواکن